

ولایت و فضایل امام علی از نگاه فخر رازی در تفسیر کبیر

<?xml encoding="UTF-8">

اشاره

قرآن کریم به فضیلت و ولایت امام علی (ع) تصریح کرده است. مفسران و اندیشمندان شیعه و نیز برخی از مفسران و علمای اهل سنت به شرح این آیات پرداخته و دلالت آنها را به عظمت و جایگاه رفیع امام علی (ع) مسلم دانسته اند. عظمت امام علی (ع) همواره مورد توجه تعداد زیادی از اندیشمندان اهل سنت قرار گرفته به طوری که علمای شیعه معمولاً برای اثبات ولایت امام (ع) از منابع اهل سنت بهره جسته اند، سپس با نقد و بررسی نظرات آنان دلایلی بر ولایت و فضیلت امام علی (ع) اقامه کرده اند. مقاله پیش رو نیز بر همین روال و به روش کتابخانه ای به بیان دیدگاه امام فخر رازی در این باره پرداخته و سپس به نقد و بررسی آرای وی می پردازد. معارف

استناد به احادیث امام علی (ع)

فخر رازی بر این باور است که در نمازهای یومیه باید آیه «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» را به صورت چهار قرائت کرد و برای بیان نظریه خود به حدیث امام علی (ع) استناد می نماید. «كَانَ عَلِيٌّ بْنُ أَبِيطَالِبٍ (عَلَيْهِ السَّلَام) يَقُولُ: يَا مَنْ ذَكَرَهُ شَرْفٌ لِلذَّاكِرِينَ؛ [1] ای کسی که ذکرش موجب شرف برای ذکر کننده است» با توجه به این عبارت چگونه شایسته است برای انسان عاقل که آن را آهسته بخواند؟

فخر رازی سخن امام علی (ع) را بر دیگر اقوال ترجیح می دهد و این نشان دهنده آن است که به مقام علمی امام علی (ع) کاملاً واقف است.

اعتراف فخر رازی به پیروی از امام علی (ع)

فخر رازی درباره امام علی (ع) روایاتی نقل می کند که نشان از ایمان و اعتقاد وی به عظمت و فضیلت امام علی (ع) دارد. این روایات همچنین بیانگر آن است که امام علی (ع) الگوی نجات و هدایت است. «وَمَنْ اقْتَدَى فِي دِينِهِ بِعَلِيِّ بْنِ أَبِيطَالِبٍ فَقَدْ اهْتَدَى؛ هرکس در دینش به علی بن ابیطالب (ع) اقتدا کند حتماً هدایت می شود. [2]

«اللَّهُمَّ أَدْرِ الْحَقَّ مَعَ عَلِيٍّ حَيْثُ دَارَ؛ خدایا حق را آن جا قرار ده که علی (ع) هست.» [3] «مَنْ اتَّخَذَ عَلِيًّا إِمَامًا لَدِينِهِ فَقَدْ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى فِي دِينِهِ وَنَفْسِهِ؛ هرکس علی را امام خود قرار دهد قطعاً به دست گیره محکمی در دین و جانش دست یافته است.» [4]

البته مقام علمی امام علی (ع) مورد اتفاق فریقین هست ولی اگر مفسری از اهل سنت به این مقام اذعان کرد و با نقل روایاتی آن را تأکید نمود نشانگر آن است که وی به مقام والای علمی و اخلاقی امام علی (ع) اعتقاد دارد.

«فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَةَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ؛ [5] پس هر کس درباره عیسی (ع) از آن پس که به آگاهی رسیده ای با تو مجادله کند بگو بیایید تا حاضر آوریم، ما فرزندان خود را و شما فرزندان خود را، ما زنان خود را و شما زنان خود را، ما نفس خود را و شما نفس خود را، آنگاه دعا و تضرع کنیم و لعنت خدا را بر دروغگویان بفرستیم.»

بر اساس دیدگاه فخر رازی در تفسیر آیه مباهله و بیان شأن نزول آیه، امام علی (ع) افضل از دیگر صحابه است زیرا معتقد است که منظور از کلمه «انفسنا» امام علی (ع) است بنابراین امام علی (ع) نفس پیامبر (ص) است. البته وی نمی پذیرد که امام علی (ع) از دیگر پیامبران برتر باشد زیرا معتقد است که نبی بر غیر نبی افضل است. [6]

اما این که نبی بر غیر نبی افضل است، ادعای بدون دلیلی است. احادیث نیز خلاف آن را بیان می کند. سلطان الواعظین در این باره می گوید:

«حمل لفظ بر اقرب مجازات اولی است از حمل بر أبعد. و اقرب مجازات، تساوی در جمیع امور و شرکت در جمیع کمالات است مگر آنچه به دلیل خارج شود و آنچه به دلیل و اجماع خارج است نبوت خاصه آن حضرت و نزول وحی است. از طرفی در خبر آمده که علمای امت من از انبیای بنی اسرائیل برترند. [7] وقتی علما به واسطه علمشان از انبیای بنی اسرائیل برتر هستند، حتماً علی بن ابیطالب (ع) که باب علم پیامبر (ص) است افضل از انبیاء می باشد.» [8]

لیلة المبيت

هنگامی که پیامبر اسلام (ص) تصمیم گرفت، مهاجرت کند، برای ادای دین های خود و تحویل دادن امانت هایی که نزد او بود، علی (ع) را تعیین نمود و شب هنگام که می خواست به سوی غار «ثور» برود، مشرکان برای حمله به او اطراف خانه را محاصره کردند.

پیامبر (ص) دستور داد تا علی (ع) در بستر او بخوابد و پارچه سبز رنگی که مخصوص خود پیامبر (ص) بود روی خود بکشد. در این هنگام آیه زیر نازل شد. [9]

«وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاةِ اللَّهِ وَاللَّهُ رَءُوفٌ بِالْعِبَادِ؛ [10] برخی از مردم جان خود را به خاطر خشنودی خدا می فروشند و خداوند نسبت به بندگان مهربان است.»

فخر رازی نزول آیه فوق را در شأن علی (ع) می داند و بر این باور است که علی (ع) در بستر پیامبر (ص) خوابید. سپس به نقل این روایت می پردازد که هنگامی که علی (ع) در بستر پیامبر (ص) خوابید جبرئیل بالای سر و میکائیل پایین پای وی ایستاد. جبرئیل می گفت: به به، آفرین بر تو ای علی خداوند به واسطه تو بر فرشتگان مباحثات می کند. [11]

آیه اکمال

«الْيَوْمَ يَئِسَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنَ الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتِمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا؛ [12] امروز کافران از دین شما مأیوس شدند، بنابراین از آنها نترسید و از من بترسید.

امروز دین شما را کامل کردم و نعمت خود را بر شما تمام نمودم و اسلام را به عنوان آیین شما پذیرفتم. منظور از «الیوم» که دو بار در آیه تکرار شده است چه روزی است؟ این کدام روز است که چهار جهت در آن جمع شده است. هم کافران در آن روز مأیوس شده اند، هم دین کامل شده است و هم نعمت خدا کامل گردیده و هم خداوند آیین اسلام را به عنوان آیین نهایی مردم جهان پذیرفته است. جای شک نیست که چنین روزی باید روز بسیار مهمی در تاریخ زندگی پیامبر (ص) باشد.

فخر رازی معتقد است که منظور از «الیوم» روز عرفه است و پیامبر (ص) 81 روز بعد از آن رحلت نمود. [13] وی در ادامه تفسیر آیه بیان می کند که اگر امامت علی بن ابیطالب (ع) از طرف خداوند و رسول خدا (ص) تعیین گردیده بود مخالفان وی طبق آیه از اینکه امامت وی را انکار کنند نا امید می شدند در حالی که صحابه امامت را انکار کردند. پس نتیجه این می شود که علی بن ابیطالب (ع) از طرف خداوند به امامت منسوب نشده است. [14]

نقد و بررسی

در روز عرفه حادثه خاصی رخ نداده که با اكمال دین مناسبت داشته باشد. اگر منظور اجتماع مسلمانان است که این امر تازگی ندارد اگر نزول برخی احکام است که این مسئله نیز موجب یأس کفار نمی شود. اگر منظور این است که کافران از قدرت مسلمانان ناامید شدند که این امر در روز فتح مکه رخ داد. [15] اشکال دیگر سخن فخر رازی این است که فاصله روز عرفه تا دوازدهم ربیع الاول که به روایت اهل سنت روز رحلت پیامبر (ص) است بیش از 81 روز می باشد، ولی اگر روز نزول آیه فوق، روز غدیر در نظر گرفته شود، 81 روز صحیح است. [16] علامه امینی شانزده منبع از منابع مهم اهل سنت را نام می برد که در آن منابع، زمان نزول آیه اكمال را روز غدیر می دانند. [17]

اما این که مخالفان امامت امام علی (ع)، طبق آیه اكمال باید از انکار امامت نا امید می شدند و حال آنکه نا امید نشدند و انکار کردند. دلیل بر درستی رفتار آنان نمی شود زیرا در آیه اكمال سخن از یأس و نا امیدی کافران است، حال اینکه منکران امامت، از امت اسلام بودند و خود را در زمره مسلمانان می دانستند لذا لزومی نداشت که یأس و نا امیدی ذکر شده در آیه را بر خود هموار کنند.

آیه ولایت

«إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ»؛ [18] همانا سرپرست و ولی شما خدا و پیامبر او و آنهایی هستند که ایمان آورده و نماز را بر پا داشته و در حال رکوع زکات می دهند.» فخر رازی در تفسیر این آیه می گوید: مراد از «وَالَّذِينَ آمَنُوا» یا عموم مردم است و یا اینکه شخص معینی می باشد. سپس از ابن عباس روایت می کند که این آیه در شأن علی ابن ابیطالب (ع) نازل شده است. همچنین روایت عبدالله ابن سلام را نقل می کند که گفت: وقتی این آیه نازل شد گفتم ای رسول خدا (ص) من دیدم که علی (ع) انگشترش را در حال نماز صدقه داد. پس ما او را ولی خود می دانیم. همچنین روایت ابوذر را در تفسیر آیه نقل کرده است؛ ابوذر می گوید: با پیامبر (ص) نماز ظهر را خواندم پس سائلی آمد و درخواست کمک کرد ولی کسی به او چیزی نداد پس دستش را به سوی آسمان بلند کرد و گفت: خدایا! تو شاهد باش من در مسجد رسول

خدا درخواست کمک کردم، کسی به من کمک نکرد. در این موقع علی (ع) که در حال رکوع بود، انگشترش را به سائل داد. پیامبر (ص) این جریان را مشاهده کرد و گفت خدایا برادرم موسی از تو درخواست کرد و گفت: سینه ام را گشاده نما و کارم را آسان گردان و لکنت را از زبانم باز کن تا مردم سخنم را بفهمند و برادرم هارون را از اهل من برایم وزیر و یاور قرار ده تا پشتیبان من باشد و او را در کار من شریک قرار ده. [19] بار خدایا به او وحی کردی که تو را به وسیله برادرت یاری خواهیم کرد و به شما قدرت خواهیم داد. خدایا! من محمد پیامبر تو و برگزیده تو هستم. سینه ام را گشاده نما و کارم را آسان فرما و علی را که از اهل من است وزیرم قرار ده تا پشتیبان من باشد. ابوذر گفت: به خدا قسم هنوز کلمات پیامبر (ص) به پایان نرسیده بود که آیه «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ...» نازل شد. [20]

وی پس از نقل روایات به طرح اشکالات پرداخته تا به هر شکل که می تواند، دلالت آیه فوق را بر ولایت امام علی (ع) نفی نماید. اشکالات مطرح شده توسط وی، به صورت مجزا طرح می گردد سپس به پاسخ اشکالات و نقد و بررسی آنها پرداخته می شود.

اشکال اول: این آیه دلالت بر امامت علی (ع) ندارد زیرا وی در روز شورا به خبر غدیر و آیه مباهله تمسک نمود و برای اثبات امامت خود، به این آیه تمسک نکرد.

اشکال دوم: اکثر مفسران گفته اند که این آیه درباره امت نازل شده چون ظاهر آیه مشتمل بر لفظ جمع است. «الذین یقیمون...»

اشکال سوم: کلمه ولی در آیه فوق به خاطر تناسب با آیات قبل و بعد به معنای محب و ناصر است و به معنای متصرف نیست زیرا در آیات قبل و بعد از دوستی با یهود و نصاری و کفار نهی فرموده است.

اشکال چهارم: زکات در آیه فوق به معنای زکات واجب است و از شأن علی (ع) دور است که انجام واجب را تأخیر اندازد. اگر زکات به معنای صدقه مندوبه در نظر گرفته شود، خلاف اصل است.

اشکال پنجم: مناسب حال علی (ع) این است که در نماز توجه کامل به خداوند داشته باشد و بدیهی است که متوجه اطراف نشود.

اشکال ششم: علی (ع) وضعیت مالی خوبی نداشت که زکات بر وی واجب گردد.

اشکال هفتم: بخشش خاتم در نماز عملی است که موجب قطع نماز می شود.

اشکال هشتم: با وجود پیامبر (ص) علی (ع) در هنگام نزول آیه نافذ التصرف در امت نبوده پس آیه دلالت بر امامت علی (ع) در آینده دارد.

اشکال نهم: آیه «مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ» [21] قبل از آیه ولایت قرار دارد. این آیه بهترین دلیل بر فساد مذهب شیعه امامیه است، زیرا کسانی که امامت علی (ع) را منکر باشند همگی مرتدّ شده اند پس لازم بود که خداوند قومی را بیاورد و با آنها بجنگد تا آنها را به حق باز گرداند، پس وقتی چنین قومی نیامد، بلکه برعکس شیعه همواره مقهور بوده پس نتیجه گرفته می شود که قطعاً نصّی آشکار وجود نداشته است. [22]

نقد و بررسی اشکالات

1. امام علی (ع) در میدان صفین در برابر جمعیت برای اثبات امامت خود دلایل متعددی اقامه کرد، از جمله

استدلال به همین آیه ولایت بود. [23]

طبق سخن فخر رازی در اشکال اول، امام علی (ع) در روز شورا به حدیث غدیر استناد نموده است. پس نتیجه می

شود که کلمه ولایت در حدیث غدیر به معنای اولی به تصرف است.

2. اما اینکه مفسران گفته اند «الَّذِينَ يُقِيمُونَ...» جمع است و بهتر است حمل بر امت شود. باید گفت: هیچ مانعی ندارد که بر مفرد حمل شود زیرا در قرآن کریم آیاتی وجود دارد که در آن لفظ جمع است ولی مصداق آن یک فرد است. فخر رازی در تفسیر آیه: «الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ» [24] کسانی که مردم به آنان گفتند، مردم علیه شما اجتماع کرده اند؛ می گوید: مراد از کلمه ناس در آیه فوق نعیم ابن مسعود اشجعی است و اطلاق لفظ ناس بر انسان واحد جایز است. [25]

موارد دیگری نیز در قرآن کریم وجود دارد که لفظ عام است ولی منظور و مراد خاص می باشد. پس مانعی ندارد که مراد از «الَّذِينَ يُقِيمُونَ» امام علی (ع) باشد. [26]

3. آنچه مسلم است این است که پاره ای از آیات سوره مائده به شهادت مضامین آنها قبل از حجة الوداع نازل شده است. بنابراین صرف این که آیات یکی پس از دیگری قرار گرفته اند، دلالت بر وحدت سیاق آنها ندارد، بنابراین نمی توان گفت معنای ولایت در آیه مذکور همان معنای ولایت در آیات قبل و بعد از آن است. از طرفی کلمه ولی را اگر به معنای دوست بگیریم در این صورت شامل همه مؤمنان می شود، نه فقط مؤمنانی که نماز به پا می دارند و در حال رکوع زکات می دهند. [27]

ابن منظور درباره کلمه ولی می گوید: ولایت با کسر واو به معنای سلطان، امارت و ریاست است و با فتح و کسر به معنای نصرت ولی الیتیم کسی که امور یتیم را به عهده می گیرد ولی المرأ کسی که عقد نکاح آن را به عهده می گیرد، ولی زن یعنی سرپرست امور او و ولی و مولی در کلام عرب یک معنا دارد. [28]

4. زکات در صدر اسلام به همان معنای لغوی خود اعم از زکات مصطلح و صدقه به کار می رفت، مخصوصاً اگر در مقابل نماز قرار گیرد به معنای انفاق مال است همچنان که از اکثر آیاتی که احوال انبیای سلف را حکایت می کند استفاده می شود مانند آیه: «وَأَوْصَانِي بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ مَا دُمْتُ حَيًّا» [29]

کلمه زکات در آیاتی که ابتدای بعثت نازل شد همگی به معنای صدقه است زیرا در مکه زکات به معنای مصطلح واجب نشده بود. [30]

5. شنیدن صدای سائل در نماز و کمک به او توجه به خویشتن نیست بلکه عین توجه به خداست. امام علی (ع) در حال نماز از خود بیگانه بود ولی از خدا بیگانه نبود و می دانیم بیگانگی از خلق خدا بیگانگی از خداست. پرداخت زکات در نماز انجام عبادت در ضمن عبادت است. توجه به آنچه مورد رضای خداست کاملاً با روح عبادت سازگار است. [31]

6. اولاً امام از دسترنج خود اموال فراوانی کسب کرد ثانیاً منظور از زکات در آیه مورد نظر زکات مستحب است. [32]

7. اشاره امام به سائل فعل کثیر نیست و باعث قطع نماز نمی شود تا آنجا که کشتن حیوانی مانند عقرب و یا برداشتن و گذاشتن کودک و حتی شیر دادن کودک فعل کثیر به حساب نمی آید. [33]

8. اطلاق وصی، خلیفه و جانشین به امام علی (ع) در حال حیات رسول خدا (ص) به صورت بالقوه است. مانند کسی که در حال حیات خود برای خود وصی تعیین می کند. حضرت زکریا از خداوند تقاضا کرد: «فَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا * يَرِثُنِي وَيَرِثُ مِنْ آلِ يَعْقُوبَ»؛ از نزد خودت به من ولی عطا کن تا وارث من و آل یعقوب باشد. [34] مسلماً منظور از «ولی» در اینجا سرپرستی برای بعد از مرگ او بوده است. [35]

9. کلمه «سوف» که به معنای به زودی می باشد و در آیه ارتداد به کار رفته است باید با نحوه کاربرد آن در قرآن

معنا شود. در قرآن مشاهده می شود که قیامت را هم نزدیک می داند «اقْتَرَبَ لِلنَّاسِ حِسَابُهُمْ» [36] قرآن در مورد قیامت کلمه زود و نزدیک را به کار می برد. پس لزومی ندارد که مبارزه با مرتدان بلافاصله پس از رحلت پیامبر (ص) رخ دهد.

شان نزول آیه تبلیغ

«يَا أَيُّهَا الرُّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ؛ ای پیامبر آنچه از خدا به تو نازل شد به مردم برسان که اگر نرسانی تبلیغ رسالت نکرده ای، خداوند تو را از آزار مردم حفظ می کند خداوند گروه کافران را هدایت نمی کند. [37]

فخر رازی در شان نزول آیه تبلیغ ده قول از مفسران نقل می کند. در قول دهم اعتقاد شیعیان را مطرح می کند و می گوید: این آیه در فضل و برتری علی بن ابیطالب (ع) نازل شده، هنگامی که این آیه نازل شد، پیامبر (ص) دست علی (ع) را بالا گرفت و فرمود: «مَنْ كُنْتَ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ اللَّهُمَّ وَال مَنْ وَالَاهُ وَ عَادَ مَنْ عَادَاهُ» [38]

عمر وی را ملاقات کرد و گفت ای فرزند ابیطالب مولای من و مولای همه مؤمنان شدی بر تو گوارا باد. سپس می گوید این روایات اگر چه بسیارند ولی بهتر است که آن را اختصاص دهیم به اینکه خداوند پیامبر (ص) را از مکر یهود و نصاری ایمن گردانید. زیرا آیات قبل و بعد آن با این معنا مناسب تر است. [39]

نقد و بررسی دیدگاه فخر رازی

البته دلیل فخر رازی خالی از اشکال نیست. زیرا وی صرفاً تناسب آیات قبل و بعد را مطرح می کند در حالی که ترتیب آیات در قرآن غیر از ترتیب نزول آیات است. از طرفی روایات نیز خلاف ادعای وی را بیان می کند. بنابراین با وجود روایات، رعایت سیاق آیات بی مورد است. علاوه بر آنچه ذکر شد، اصولاً نگرانی پیامبر (ص) از یهود و نصاری در اوایل بعثت و ابتدای هجرت قابل قبول و معنا دار است ولی پس از فتح مکه که قدرتش توسعه یافته و یهودیان از مدینه کوچ کرده اند دیگر معنا و مفهوم ندارد. [40]

آیه اولی الامر

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ؛ [41] ای کسانی که ایمان آورده اید خدا و رسول خدا و اولی الامر از خودتان را اطاعت کنید.»

فرمان به اطاعت مطلق از «اولی الامر» در کنار اطاعت رسول خدا (ص) دلیل بر این است که «اولی الامر» کسانی را شامل می شود که در ردیف رسول خدا (ص) یعنی جانشینان معصوم او هستند زیرا اطاعت مطلق در غیر مورد معصوم ممکن نیست.

فخر رازی در تفسیر آیه مذکور می گوید: منظور از اطاعت خدا و رسول به ترتیب اطاعت از کتاب و سنت است و در مورد «اولی الامر» می گوید: منظور اجماع امت است زیرا خداوند به طور قطع امر به اطاعت از اولی الامر نموده و این دلیلی قاطع بر عصمت اولی الامر است. زیرا اگر اولی الامر خطا کنند از طرفی هم خداوند نیز به اطاعت آنها امر کرده در نتیجه اجتماع امر و نهی در فعل واحد حاصل می شود و این هم محال است پس اولی الامر حتماً معصوم هستند.

از طرفی اطاعت از اولی الامر مشروط بر این است که ما به آنها دست یابیم و آنها را بشناسیم و چون در زمان ما

شناخت امام معصوم و دسترسی به وی امکان ندارد پس مراد از اولی الامر اهل حل و عقد می باشند. کلمه اولی الامر جمع است در حالی که در هر زمانی یک امام معصوم وجود دارد. پس منظور از اولی الامر، امام معصوم نیست، هم چنین در آیه می فرمایید، اگر اختلافی حاصل شد به خدا و رسول مراجعه کنید؛ اگر منظور از اولی الامر امام معصوم بود لازم بود، بیان کند که در صورت اختلاف به امام معصوم مراجعه کنید. [42]

نقد و بررسی

اولی الامر نمی تواند مجموع امت باشد، زیرا اتفاق نظر در مسائل اجتماعی در موارد بسیار کمی، روی می دهد. بنابراین مسلمانان، همیشه با یک بلا تکلیفی و نابسامانی در غالب امور خود روبرو هستند. اگر بخواهند اکثریت را ملاک قرار دهند و نظریه آنها را بپذیرند، این اشکال پیش می آید که اکثریت، هیچ گاه معصوم نیستند و بدیهی است که اطاعت از آنان به طور مطلق لازم نیست. [43]

اما اینکه کلمه اولی الامر بر جمع دلالت می کند و امام معصوم در هر زمان یکی است، باید توجه داشت که امام معصوم در هر زمان یکی است ولی در مجموع زمان ها افراد متعددی را تشکیل می دهند و آیه نیز تنها وظیفه مردمان یک زمان را تعیین نمی کند.

اما عدم ارجاع اختلافات به اولی الامر به این دلیل است که اختلاف و تنازع در جمله فوق در مورد احکام است و منظور اختلاف در مسائل مربوط به جزئیات حکومت و رهبری جامعه نمی باشد. [44]

ذکر مصادیق آیات

پیامبر (ص) در سوره رعد، مصادق هادی را امام علی (ع) می داند که رهروان راه حق با پیروی از امام علی (ع) به سرچشمه مقصود می رسند و از فیض هدایت امام علی (ع) بهره مند می گردند. «إِنَّمَا أَنْتَ مُنْذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ؛ تو منذری و برای هر قومی هادی وجود دارد. [45]

فخر رازی بر این باور است که منظور از منذر، پیامبر (ص) است که فقط وظیفه انذار دارد و منظور از هادی خداوند است که قادر بر هدایت است. سپس در ادامه تفسیر آیه به نقل روایات و اقوال مفسران پرداخته و به حدیث ابن عباس اشاره می کند که گفت: پیامبر (ص) دست بر سینه خود نهاد و فرمود: من منذر هستم، سپس اشاره به شانه علی (ع) کرد و فرمود: تو ای علی هادی هستی، به وسیله تو رهروان هدایت، بعد از من، هدایت می شوند. [46]

فخر رازی امام علی (ع) را هادی امت بعد از پیامبر (ص) می داند همان طور که در ابتدای تفسیرش، پیروی از علی (ع) را مایه نجات و رستگاری عنوان کرد. [47]

علی (ع) از اهل بیت است

«إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا؛ [48] خداوند اراده کرده است، تا رجس و پلیدی را از اهل بیت دور نماید و آنان را پاک و مطهر قرار دهد.»

راغب اصفهانی در توضیح کلمه اهل بیت می گوید: اهل بیت، پناهگاه انسان در شب را گویند... کلمه اهل بیت در آل نبی معمول و متعارف گردیده است. [49]

فخر رازی معتقد است که اهل بیت، اولاد پیامبر (ص) و زنان او و حسن و حسین و علی (ع) می باشند. علی رغم

اینکه اقوال در این باره مختلف است ولی او این قول را ترجیح می دهد که امام علی (ع) را از اهل بیت می داند وی دلیل این رجحان را این گونه بیان می کند که علی (ع) هم با دختر پیامبر (ص) معاشرت دارد و هم با خود پیامبر (ص) ملازم و همراه است. [50]

وی صلوات بر پیامبر و آل پیامبر را نیز مورد تأکید قرار داده است.، این حدیث را نقل می کند که از پیامبر (ص) سؤال شد چگونه بر تو صلوات بفرستیم؟ پیامبر (ص) فرمودند: «قولوا اللهم صل علی محمد و علی آل محمد كما صلیت علی ابراهیم و علی آل ابراهیم و بارک علی محمد و علی آل محمد كما بارکت علی ابراهیم و علی آل ابراهیم انک حمید مجید» [51]

وی در توضیح کلمه آل و تعیین مصادیق آن بیان می کند که آل محمد کسانی هستند که کارشان بیشتر به پیامبر (ص) مربوط می شود. شکی نیست که وابستگی فاطمه و علی و حسن و حسین (ع) به پیامبر (ص) از همه بیشتر است.

این مسئله از طریق نقل هم معلوم است. پس آل پیامبر (ص) همین افراد هستند. البته مردم در تعیین مصداق آل اختلاف کرده اند. برخی اقارب پیامبر (ص) را آل پیامبری دانند و برخی همه امت را اگر این دو قول را بپذیریم باز هم افراد نامبرده آل پیامبر (ص) هستند، حب آل محمد واجب است زیرا آنها بسیار مورد علاقه و محبت پیامبر (ص) بودند. [52]

اظهارات فخر رازی نشانگر آن است که هم علی (ع) را جزء اهل بیت می داند و هم احترام و محبت به اهل بیت (ع) را لازم و واجب می داند.

آیه نجوی

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نَجَّيْتُمُ الرَّسُولَ فَقَدِّمُوا بَيْنَ يَدَيْ نَجْوَاكُمْ صَدَقَةٌ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ وَأَطْهَرُ فَإِنْ لَمْ تَجِدُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ» [53] ای اهل ایمان هر گاه بخواهید که با رسول سخن سری بگویید باید صدقه بدهید که این برای شما بهتر و پاکیزه تر است و اگر چیزی نداشتید البته خداوند آمرزنده و مهربان است.»

فخر رازی در تفسیر آیه می گوید: این تکلیف فواید زیادی دارد. از جمله بزرگداشت و احترام رسول خدا (ص) را در بر دارد. برای فقرا مفید خواهد بود و تخفیفی برای پیامبر (ص) است. وی سپس روایتی را از امام علی (ع) نقل می کند که علی (ع) فرمود: در قرآن کریم آیه ای است که هیچ کس به جز من به آن عمل نکرد و پس از آنکه من به آن عمل کردم آن حکم نسخ شد. [54]

نتیجه گیری

از نظر فخر رازی امام علی (ع) الگوی هدایت و مایه نجات و حجت قوی برای هر مسلمانی است. امام علی (ع) نفس پیامبر (ص) است. آیه رضایت درباره وی نازل شده است و آیه تبلیغ در شأن وی فرو آمده است. امام علی (ع) از اهل بیت پیامبر (ص) است. دوستی و محبت به آل علی (ع) لازم و واجب است علی (ع) فقط به آیه نجوی عمل کرد و از بقیه صحابه برتر است.

فخر رازی در بیان فضایل امام علی (ع) شک و تردید ندارد و از نقل فضایل کوتاهی نمی کند ولی با این همه، سعی و تلاش می نماید که دلالت آیات قرآن کریم را بر ولایت امام علی (ع) رد نماید و در این باره به اشکال تراشی و بیان شبهات می پردازد.

بر اساس دیدگاه فخر رازی در تفسیر آیه مباهله امام علی (ع) افضل از دیگر صحابه است زیرا معتقد است که منظور از کلمه «انفسنا» امام علی (ع) است.

در روز عرفه حادثه خاصی رخ نداده که با اكمال دين مناسبت داشته باشد. اگر منظور اجتماع مسلمانان است که این امر تازگی ندارد اگر نزول برخی احکام است که این مسئله نیز موجب یأس کفار نمی شود. اگر منظور این است که کافران از قدرت مسلمانان ناامید شدند که این امر در روز فتح مکه رخ داد.

شنیدن صدای سائل در نماز و کمک به او توجه به خویشتن نیست بلکه عین توجه به خداست. بیگانگی از خلق خدا بیگانگی از خداست. پرداخت زکات در نماز انجام عبادت در ضمن عبادت است. توجه به آنچه مورد رضای خداست کاملاً با روح عبادت سازگار است.

اولی الامر نمی تواند مجموع امت باشد، زیرا اتفاق نظر در مسائل اجتماعی در موارد بسیار کمی، روی می دهد. اگر بخواهند اکثریت را ملاک قرار دهند و نظریه آنها را بپذیرند، این اشکال پیش می آید که اکثریت، هیچ گاه معصوم نیستند و بدیهی است که اطاعت از آنان به طور مطلق لازم نیست. اما اینکه کلمه اولی الامر بر جمع دلالت می کند و امام معصوم در هر زمان یکی است، باید توجه داشت که امام معصوم در هر زمان یکی است ولی در مجموع زمان ها افراد متعددی را تشکیل می دهند و آیه نیز تنها وظیفه مردمان یک زمان را تعیین نمی کند.

فخر رازی در بیان فضایل امام علی (ع) شک و تردید ندارد و از نقل فضایل کوتاهی نمی کند ولی با این همه، سعی و تلاش می نماید که دلالت آیات قرآن کریم را بر ولایت امام علی (ع) رد نماید و در این باره به اشکال تراشی و بیان شبهات می پردازد.

پی نوشت ها :

- [1]. فخر رازی، تفسیر کبیر، ج 1، ص 209.
- [2]. همان، ص 210.
- [3]. همان، ص 210.
- [4]. همان، ص 212.
- [5]. آل عمران / 61.
- [6]. تفسیر فخر رازی، ج 8، ص 90.
- [7]. بحارالانوار، ج 2، ص 22، ح 67.
- [8]. سلطان الواعظین، شبهای پیشاور، ج 1، ص 385.
- [9]. ملافتح الله کاشانی منهج الصادقین، ج 3، ص 476.
- [10]. بقره / 207.
- [11]. فخر رازی، همان، ج 11، ص 141.
- [12]. مائده / 3.
- [13]. فخر رازی، همان، ج 11، ص 140.
- [14]. همان، ج 11، ص 141.

- [15]. علامه طباطبائی، المیزان، ج 5، ص 275.
- [16]. علامه امینی، الغدير، ج 2، ص 115.
- [17]. الغدير، ج 2، ص 116 – 118.
- [18]. مائده / 55.
- [19]. طه / 33-25.
- [20]. فخر رازی، ج 12، ص 28 – 27.
- [21]. مائده / 54.
- [22]. همان، ص 33 – 32 – 31.
- [23]. علامه امینی، الغدير، ج 1، ص 196.
- [24]. آل عمران / 173.
- [25]. فخر رازی، ج 9، ص 102.
- [26]. علامه طباطبائی، المیزان، ج 6، ص 10.
- [27]. همان، ص 6.
- [28]. ابن منظور، لسان العرب، ج 15، ص 401.
- [29]. مریم / 31.
- [30]. ملا فتح الله کاشانی، منهج الصادقین، ج 3، ص 264.
- [31]. مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج 4، ص 428.
- [32]. ملا فتح الله کاشانی، همان، ج 3، ص 264.
- [33]. همان ج 3، ص 264.
- [34]. مریم / 6-5.
- [35]. مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج 4، ص 430.
- [36]. انبیاء / 1.
- [37]. مائده / 67.
- [38]. بحارالانوار، ج 37، ص 108، ح 1.
- [39]. فخر رازی، ج 12، ص 53.
- [40]. علامه امینی، الغدير، ج 2، ص 110.
- [41]. نساء / 59.
- [42]. فخر رازی، ج 10، ص 149 – 148.
- [43]. مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج 3، ص 484.
- [44]. همان، ص 488.
- [45]. رعد / 7.
- [46]. بحارالانوار، ج 9، ص 106.
- [47]. فخر رازی، ج 19، ص 15.
- [48]. احزاب / 33.

[49]. راغب اصفهانی، المفردات، ص 64، واژه اهل.

[50]. فخر رازی، ج 25، ص 210.

[51]. همان، ص 228.

[52]. همان، ج 27، ص 167.

[53]. مجادله / 12.

[54]. فخر رازی، همان، ج 29، ص 272.